

کاربست روش تاریخی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل

مژگان قربانی^۱

سید مسعود موسوی شفائی^{*۲}

محسن شریعتی نیا^۳

محسن اسلامی^۴

چکیده

روش‌های تحقیق زیادی اعم از کمی و کیفی در رشته روابط بین‌الملل وجود دارد که دانشجویان از آن برای پژوهش‌های خود استفاده می‌کنند. یکی از روش‌های کیفی، روش پژوهش تاریخی یا تاریخ‌پژوهی است. روش تاریخی زمانی کاربرد دارد که پژوهشگر درصدد بررسی پدیده‌ای در گذشته است و هدف آن کشف واقعیات تاریخی و شرح رویدادهای حال است. تاریخ مهم‌ترین عنصر تاثیرگذار در برقراری و توسعه روابط کشورها است زیرا دولت‌ها بر اساس برداشت‌هایی که از کشورهای دیگر دارند روابط خود را در بستر زمان تنظیم می‌کنند ولی پژوهشگران روابط بین‌الملل یا به ندرت از این روش استفاده می‌کنند یا با روش درست کاربست آن آشنا نیستند. در این مقاله سعی می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که چگونه از روش تاریخی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل استفاده کنیم؟ کاربرد روش تاریخی در روابط بین‌الملل چه مزایا و دستاوردهایی ایجاد می‌کند؟ چه کاربردهایی برای رشته روابط بین‌الملل دارد؟ و دلایل کم‌توجهی به این روش پژوهش در رشته روابط بین‌الملل چیست؟ هدف مقاله این است که به تولید ادبیات مربوط به نحوه استفاده و کاربرد روش تاریخی در رشته روابط بین‌الملل بخصوص در پژوهش‌های مربوط به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها یاری رساند

واژگان کلیدی: روش پژوهش تاریخی، منابع تاریخی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی چهل و شش،

پاییز ۱۴۰۱

پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

* shafae@modares.ac.ir

۳. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

۴. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و شش، صص ۳۸-۷

هر پژوهش مستلزم داشتن یک روش تحقیق است. هنگامی که از روش تحقیق سخن می‌گوییم مراد مجموعه‌ای از قواعد، ابزارها و راه‌های قابل‌اعتماد و نظام‌مند برای بررسی و شناخت واقعیت‌ها و کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مسائل و مشکلات است. به بیان دیگر روش تحقیق عبارت است از به کارگیری راه و روش خاصی که اطلاعات مناسب‌تر و بیشتر را درباره موضوع مورد مطالعه فراهم نموده و عوامل و علل مرتبط با آن را مشخص نماید. روش‌های متفاوتی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در هر پژوهش وجود دارد. هر پژوهشی را نمی‌توان با یک روش یکسان انجام داد و نیاز است ابتدا هدف اصلی پژوهش خود را بدانیم و سپس با توجه به هدفی که داریم روش مناسب را انتخاب کنیم. پس طبیعی است که اگر تحقیق ما روش‌شناسی خوبی نداشته باشد، نمی‌توانیم کار پژوهشی خوب و با کیفیتی ارائه دهیم. علاوه بر اینکه داشتن روش در تحقیق الزامی است، دقت در انتخاب روش نیز حائز اهمیت می‌باشد. چنانچه هر اشتباهی در این فرآیند انجام شود تمام تحقیق و یافته‌های آن درگیر یک اشتباه خواهد شد. این خود اهمیت مسئله روش را نشان می‌دهد. انتخاب درست و منطقی روش، نیمی از تحقیق محسوب می‌شود زیرا بر سرنوشت پژوهش اثر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای می‌گذارد. روش‌های تحقیق به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شوند که یکی از روش‌های تحقیق کیفی، روش تاریخی است. در این روش پژوهشگر ناگزیر است دست به گزینش بزند. این گزینش دست کم در سه سطح صورت می‌گیرد: انتخاب موضوع، انتخاب روش و انتخاب رخدادهای مرتبط با موضوع. به بیان دیگر مورخ ناگزیر است از میان انواع متکثر و متنوع موضوعات تاریخی یا دوره‌های تاریخی یک مقطع یا یک موضوع را برگزیند. درگام دوم می‌بایست از میان انواع گوناگون روش‌ها و رهیافت‌های پژوهشی شیوه‌ای را انتخاب کند که بیش از همه با موضوع او سازگار است و در گام نهایی از میان انبوه رخدادهای و حوادث مرتبط با موضوع آنچه با روش، رهیافت، انتظارات و رویکردهای او مرتبط‌تر است، برگزیند و با برقراری پیوندهای علی و معلولی و تفسیرهای علمی خود مجموعه‌ای معنادار و منسجم پدید آورد. هدف مقاله این است که به تولید ادبیات مربوط به نحوه استفاده و کاربرد روش تاریخی در رشته

روابط بین‌الملل بخصوص در پژوهش‌های مربوط به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها یاری رساند. این مقاله به دلایل مختلف برای دانشجویان روابط بین‌الملل به رشته تحریر در آمده است. اولاً ممکن است این دانشجویان هیچ گونه آموزشی در مورد این روش نداشته باشند. ثانیاً روش‌هایی که آموزش دیده‌اند به احتمال زیاد کمی است نه کیفی. ثالثاً حتی اگر روش‌های کیفی نیز یاد گرفته باشند صرف زمان زیاد برای تفسیر و استفاده از منابع تاریخی برای آن‌ها سخت است. رابعاً دانشجویان با یادگیری بیشتر این روش و استفاده از شواهد تاریخی، تحقیقات با کیفیت‌تری را انجام می‌دهند.

۹

در این مقاله سعی می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که چگونه از روش تاریخی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل استفاده کنیم؟ چگونه می‌توان روش تاریخی را در موضوعات روابط بین‌الملل عملیاتی کرد؟ چه زمانی و چرا باید از این روش استفاده کرد؟ کاربرد روش تاریخی در روابط بین‌الملل چه مزایا و دستاوردهایی ایجاد می‌کند؟ چه ارتباطی بین تاریخ و روابط بین‌الملل وجود دارد؟ بنابراین در ابتدا به تشریح روش تاریخی پرداخته می‌شود سپس ارتباط تاریخ و روابط بین‌الملل بررسی می‌شود و در ادامه الزاماتی که پژوهشگران روابط بین‌الملل در هر نوع پژوهش اعم از پایان‌نامه، رساله، کتاب و مقاله و ... باید رعایت کنند توضیح داده می‌شود و نهایتاً به ارزیابی مقالاتی که با روش تاریخی در حوزه روابط بین‌الملل نگاشته شده‌اند، پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

درخصوص موضوع مدنظر این مقاله، پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته اول مربوط به پژوهش‌هایی است که در رابطه با روش‌های تحقیق در علوم انسانی به نگارش درآمده است محتوای این آثار درباره انواع روش‌های تحقیق اعم از کمی و کیفی و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات است که روش تاریخی به عنوان یکی از روش‌های کیفی تلقی شده است. اکثر این کتاب‌ها مباحث یکسانی در رابطه با روش تحقیق تاریخی مطرح کرده‌اند. به عنوان مثال جان بست در کتاب روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، علی دلاور در کتاب مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، رمضان حسن‌زاده در کتاب روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، سیاوش خلیلی شورینی در کتاب روش‌های تحقیق

در علوم انسانی و محمدتقی ایمان در کتاب روش‌شناسی تحقیقات کیفی در ابتدا به تعریف تحقیق تاریخی می‌پردازند و دیدگاه‌های مخالفان و موافقان درباره روش تاریخی به عنوان یک روش علمی را مطرح می‌کنند. سپس منابع داده‌های تاریخی اعم از منابع دست اول و دست دوم و ارزشیابی منابع داده‌های تاریخی اعم از انتقاد درونی و بیرونی را شرح می‌دهند. در نهایت تفاوت مورخ و محقق تاریخی و مراحل انجام پژوهش تاریخی را بیان می‌کنند.

دسته دوم مربوط به پژوهش‌هایی است که درباره تاریخ‌پژوهی صورت گرفته است. علیرضا ملائی توانی در کتاب درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، حسین میرجعفری و مرتضی نورایی در کتاب روش پژوهش در تاریخ، مایکل استفورد در کتاب درآمدی بر تاریخ‌پژوهی و حسن حضرتی در کتاب روش پژوهش در تاریخ‌شناسی از قلمرو علم تاریخ و فلسفه علم تاریخ سخن می‌گویند و حوزه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تاریخی را به هم پیوند می‌دهند. علاوه بر آن مباحثی مانند علیت و تبیین در تاریخ، ماهیت شواهد تاریخی، چگونگی به کارگیری شواهد تاریخی، منبع‌شناسی، پالایش و تصفیه داده‌های درست از نادرست و یادداشت‌برداری را مطرح می‌کنند.

دسته سوم مربوط به پژوهش‌های است که درباره روش‌های پژوهش در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نوشته شده‌اند. تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص روش تاریخی در پژوهش‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل صورت نگرفته است و پژوهش‌های حاضر از این روش در کنار دیگر روش‌های پژوهش سخن گفته‌اند. ابوالقاسم طاهری در کتاب روش تحقیق در علوم سیاسی و سید کاووس سید امامی در کتاب پژوهش در علوم سیاسی: رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی، اهداف و ویژگی‌های تحقیق تاریخی را شرح داده‌اند و بعد از بیان منابع تاریخی به نقد و بررسی اعتبار داده‌های تاریخی پرداخته‌اند.

همانگونه که ملاحظه می‌کنیم آثار ارزشمندی در مورد روش تحقیق تاریخی به رشته تحریر درآمده است و ادبیات این حوزه فوق‌العاده غنی می‌باشد اما آنچه که پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌سازد این است که علاوه بر بررسی کاربرد

روش تاریخی در رشته روابط بین‌الملل به ارزیابی آثار نگاشته شده در این حوزه نیز می‌پردازد و کاستی‌ها و ضعف‌های آن‌ها را بیان می‌دارد.

۲. روش پژوهش تاریخی

تعریف‌های متعددی برای روش پژوهش تاریخی ارائه شده است که این امر نشان می‌دهد تاکنون هم تعریف‌های گوناگونی از روش تاریخی شده است و هم هنوز تعریفی که مورد وفاق اکثریت مورخان و فیلسوفان تاریخ باشد، ارائه نشده است. شاید لازم باشد تعریفی کلی از آن بیان شود که دربرگیرنده همه تعریف‌های ذکر شده باشد؛ بر این اساس در تعریف روش تاریخی می‌توان گفت که شامل مطالعه، درک و شرح رویدادهای مربوط به گذشته است و در این روش پژوهشگر برای دستیابی به واقعیات تاریخی ملزم به گردآوری داده‌ها، ارزشیابی صحت و سقم و تجزیه و تحلیل آن‌هاست تا بتواند از رهگذر آن فرضیه تحقیق را اثبات یا رد کند یا حتی به نتایج تئوریک دست یابد.

بارزترین تفاوت بین تحقیق تاریخی و سایر روش‌های در دسترس محقق مربوط به ماهیت شواهد است که برای تولید نظریه یا آزمایش یک فرضیه استفاده می‌شود. تحقیقات تاریخی بر خلاف روش‌های دیگر که برای ایجاد یا تولید داده‌ها به عنوان بخشی از فرآیند تحقیق طراحی شده‌اند، بر داده‌هایی متکی است که قبلاً وجود دارد. این بدان معنا نیست که تحقیقات تاریخی نمی‌تواند برخی از داده‌ها را ایجاد یا تولید کند، بلکه بخش نسبتاً کوچکی از مجموعه داده را تشکیل می‌دهد که باید تجزیه و تحلیل شود و به موضوع تحقیق بستگی دارد. یک تفاوت کلیدی دیگر بین این نوع تحقیق و سایر تحقیقات علوم اجتماعی مربوط به دستکاری داده‌ها است. از آنجایی که تحقیقات تاریخی بر داده‌های گذشته متکی است، راهی برای دستکاری در آن وجود ندارد (Pickard, 2018: 167). این روش تحقیق به بازسازی گذشته، شناسایی قطعات یک پازل و کنار هم قرار دادن آنها برای ارائه بینش و درک یک موقعیت، رویداد یا فرآیند می‌پردازد و همانند سایر روش‌های تحقیق از یک فرآیند کلی پیروی می‌کند، اما ماهیت روش به گونه‌ای است که این فرآیند به محقق و موضوع مورد بررسی بستگی دارد. بنابراین محققان در این روش باید با زمینه‌ای که تحقیق در آن واقع شده است، همدلی

ایجاد کنند که این امر مستلزم دانش بیشتری نسبت به حقایق دقیق برگرفته از شواهد است. به این ترتیب اگر پژوهشگر بخواهد در پاسخ به سوال تحقیق خود یک نظریه منصفانه و متعادل ارائه دهد، درک محیط اجتماعی ضروری است (Rael, 2004). علاوه- بر آن شواهد تاریخی تقریباً همیشه دارای حفره‌ها و شکاف‌هایی هستند یا سیاه‌چاله‌هایی که در آن هیچ مدرکی برای تفسیر وجود ندارد. در اینجا محقق بایستی به جای کنار گذاشتن آنها با استفاده از تخیل، دانش قبلی و منطق خود بین آنها پیوند ایجاد کند که این به معنای حدس زدن نیست، بلکه تخمین منطقی واقعیت است (Pickard, 2018: 175).

۳. تاریخ و روابط بین‌الملل

پیوند تاریخ و روابط بین‌الملل قدمت طولانی دارد. یکی از اولین و بزرگترین اثر تاریخی، کتاب تاریخ جنگ پلوپونزی نوشته توسیدید است که جزو متون پایه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. رشته روابط بین‌الملل از همان ابتدا وامدار تاریخ بود که این امر در آثار دو تن از بنیانگذاران روابط بین‌الملل مدرن، یعنی ای. ایچ. کار و هانس مورگنتا منعکس شده است. بنابراین توجه به تاریخ از دیرباز یکی از ویژگی‌های مطالعات بین‌المللی بوده است اما روش واحدی از تحقیق تاریخی در روابط بین‌الملل وجود ندارد. به صورت کلی چهار شیوه اصلی تحقیق تاریخی وجود دارد که نحوه استفاده از تاریخ در این رشته را احاطه کرده است. این چهار حالت عبارتند از: تاریخ بدون تاریخ‌گرایی، تاریخ‌گرایی رادیکال، تاریخ سنتی و جامعه‌شناسی تاریخی تاریخ‌گرا.

تاریخ بدون تاریخ‌گرایی

این شیوه تحقیق به ایجاد گزاره‌های کلی/جهانی منجر می‌شود که می‌توانند در زمان و مکان اعمال شوند. یعنی به دنبال ساختن یک روایت بزرگ هستند که کاربرد جهانی داشته باشد. این بدان معنی است که استدلال‌های نظری آنها قابل آزمایش است، در نتیجه با آنچه که آنها به عنوان معیارهای دقیق علمی اجتماعی در نظر می‌گیرند مطابقت دارند و همچنین به این معنی است که رویکرد آنها برای پیش‌بینی رویدادها در زمان وقوع یا در آینده ممکن است (Kiser & Hechter, 1998: 788). تاریخ بدون تاریخ‌گرایی شیوه‌ای از مطالعه تاریخ است که زیربنای نئورئالیسم و نهادگرایی نئولیبرالی در روابط

بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. در این شیوه تحلیل تاریخی در روابط بین‌الملل، تاریخ نقش «متن مقدس» را به عهده می‌گیرد - یعنی قواعد نقض‌ناپذیری که می‌تواند برای حمایت از فرضیه‌های تحقیق مورد استفاده قرار گیرد. به بیان دیگر تاریخ بدون تاریخ‌گرایی یک جریان بالقوه غنی از داده‌ها را فراهم می‌کند، درس‌هایی را تولید می‌کند و به عنوان نمونه‌های آزمایشی برای فرضیه‌های قیاسی عمل می‌کند و مقوله‌ای برای تأیید تجربی ادعاهای انتزاعی است (Kornprobst, 2007: 31).

به این ترتیب تاریخ همیشه به‌عنوان ابزاری برای آزمایش اعتبار مواضع نظری عمل کرده است و پژوهش‌های جریان اصلی به استفاده از تاریخ به‌عنوان فشارسنج یا آزمون تورنسل برای قضاوت بین تصویرهای رقیب در روابط بین‌الملل نگاه می‌کنند. انتزاع مفاهیمی مانند «آناشسی»، «موازنه قدرت» یا «خودیاری» و تبدیل آنها به عنوان موجودیت‌های تحلیلی فاقد زمان هم در این راستا قابل تحلیل است. به این ترتیب، رویکردهای نئو نئو چیزی است که می‌توانیم آن را «عرف متداوم» بنامیم که در آن تاریخ با شرایط خاص خود در نظر گرفته نمی‌شود، اما برای توضیح زمان حال مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، از رقابت بین آتن و اسپارت برای رقابت بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ سرد استفاده می‌شود. همه جنگ‌ها، چه شورش‌های چریکی یا درگیری‌های کامل، با هرج و مرج بین‌المللی توضیح داده می‌شوند و همه واحدهای سیاسی - دولت‌شهرها، قبایل کوچ‌نشین، امپراتوری‌ها، دولت - ملت‌ها و اتحادهای فراملی - از نظر کارکرد یکسان فرض می‌شوند (Lawson, 2007: 351-3).

تاریخ‌گرایی رادیکال

تاریخ‌گرایی رادیکال در روابط بین‌الملل استدلال می‌کنند که چرخش تاریخی در روابط بین‌الملل نیاز به ساختار شکنی دارد. این قرائت نشان می‌دهد که حقیقتی در بیرون وجود ندارد که در انتظار کشف باشد بلکه حقایق بسیاری وجود دارد. در نهایت این موضع، دیدگاهی از تاریخ را در بر می‌گیرد که هرگز نمی‌توان بر آن تسلط یافت؛ تلاش برای انجام این کار، صرفاً بازگشت به یک روایت کلان کلی دیگر است. از نظر تاریخ‌نگاران رادیکال، محقق تاریخ‌نگار روابط بین‌الملل هرگز نمی‌تواند به پایانه نهایی تاریخی برسد

و در سفری ریلی بدون پایان سرگردان است (Hobson & Lawson, 2008: 424). پس تاریخ‌گرایی رادیکال چه نوع تاریخی را تولید می‌کند؟ پیش از هر چیز، این رویکرد ساخت روایت‌های کلان را رد می‌کند و در نتیجه آن را در تضاد با نوع کلان تاریخ که نظریه نئورئالیستی و نهاد‌گرای نئولیبرالی تولید می‌کنند، قرار می‌دهد. همانطور که اشاره شد، خواندن تاریخ یا از طریق یک دریچه نظری یا از طریق ساختن روایتی گسترده‌تر، گرفتار شدن در دام «تسلط بر تاریخ» است تا با اهداف سیاسی و ایدئولوژیک خاصی مطابقت داشته باشد. به این ترتیب، هدف کار تاریخی مقاومت در برابر تلاش برای تسلط است (Vaughan, 2005: 131).

نمونه‌های این نوع تفکر را می‌توان در شاخه پست مدرن مطالعات پسااستعماری روابط بین‌الملل یافت. به نظر ادوارد سعید، تمامی تاریخ‌های ظهور و توسعه جهان مدرن یا نظام بین‌الملل مدرن باید ساختارشکنی شوند تا فراروایت زیربنایی اروپامحوری/شرق‌شناسی آشکار شود. علاوه بر این، بسیاری تا آنجا پیش می‌روند که استدلال می‌کنند از آنجایی که همه تلاش‌ها برای نوشتن تاریخ باید با پیوندهای قدرت-دانش مطابقت داشته باشد، از بازسازی روایت‌های تاریخی باید اجتناب شود زیرا این کار صرفاً برای جایگزینی یک شکل از سلطه (اروپاگرایی/شرق‌گرایی) با شکلی دیگر (غرب‌گرایی) عمل می‌کند (Hobson & Lawson, 2008: 425). به این ترتیب، تاریخ همیشه غیرقابل‌درک است و معانی آن همیشه به تعویق افتاده است و هیچ نقطه ثابتی برای استقرار تاریخی وجود ندارد. در عوض تاریخ به «بی‌نهایتی از حقایق ممکن» تبدیل می‌شود. از منظر این افراد درک محققان از تاریخ به عنوان ارائه حقایق اساسی، مقوله‌های بی‌زمان و واقعیت تغییرناپذیر باید به درکی که تاریخ را ناپایدار، مناقشه‌برانگیز و احتمالی می‌بیند تغییر کنند. از نظر این محققان، تاریخ قلمروی تداوم نیست بلکه قلمرو تفاوت، غیرقابل‌قیاس و عدم قطعیت‌ها است. تعدادی از تکنیک‌ها توسط این محققان ارائه شده از جمله- تبارشناسی، چندنگرشی، آگونیسیم، بینامتنی - که ابزارهای قدرتمندی برای زیر سؤال بردن مفروضات بدیهی در مورد زمان حال و گذشته هستند. با این حال، رویکرد پسااستخترگرایانه از تاریخ با خطر «تعیین چندعاملی» یا فهرستی از علل ضعیف مواجه است (Lawson, 2010: 208). بنابراین همانطور که رویکردهای

جریان اصلی تاریخ را به قلمروی منحصر به فرد از قطعیت و قاعده‌مندی تبدیل می‌کند، رویکردهای پساساختارگرایی تاریخ را قلمروی منحصر به فرد از تفاوت و بی‌ثباتی فرض می‌کنند. به این ترتیب، رویکردهای جریان اصلی انتزاعات عام را بیان می‌کنند و پست‌مدرن‌ها امر جزئی را مطرح می‌کنند. به عبارت دیگر رویکردهای جریان اصلی تاریخ را به عنوان مجموعه‌ای از داده‌ها می‌دانند که از طریق آن می‌توان فرمول‌ها، مفاهیم و فرضیه‌های انتزاعی را ارزیابی کرد. یعنی تاریخ را به یک زمین مسطح تک رنگ تقلیل می‌دهند که توسط آن می‌توان ادعاهای نظری را تأیید یا در بهترین حالت تغییر داد. تاریخ‌نگاری رادیکال پساپوزیتیویسم نیز تاریخ را قلمروی از اگرها و شاید‌ها نه حقیقت می‌دانند که گرایش ایدئولوژیک محقق را آشکار می‌کند. نتیجه چنین رویکردی گسست تاریخی است (Lawson, 2010: 210).

تاریخ سنتی

از نظر سنت‌گرایان، «تاریخ درست» مبتنی بر روش‌شناسی پوزیتیویستی رانگری است که تمایز ارزش-واقعیت، مورخ را قادر می‌سازد تا شکلی از حقیقت را تولید کند، حداقل تا جایی که از طریق تحقیقات آرشیوی و اسناد دست اول قابل دسترسی است. مورخان سنتی معتقدند که جهانی در بیرون وجود دارد که می‌توان آن را از طریق تحلیل تاریخی توضیح داد. یک رویکرد دقیق عینی-نظری به آثار (اسناد دست اول و آرشیوی) برای این فرآیند حیاتی است که در نهایت تحلیل علی از هر رویدادی قابل دستیابی است (Evans, 2001: 124). مورخان سنتی کاربرد الگوهای نظری پیشینی را برای مطالعه تاریخ رد می‌کنند. به بیان دیگر از نظر آن‌ها مشاهده تاریخ از طریق لنزهای نظری بیهوده تلقی می‌شود. در واقع رویکردهای نظری نه تنها به دلیل پیشین‌گرایی نظری، بلکه به دلیل اتکا به منابع ثانویه نیز محکوم می‌شوند. می‌توان استدلال کرد که این ایرادات واقعاً تفاوت چندانی با محکومیت‌هایی که تاریخ‌نگاران رادیکال درباره روایت‌های تاریخی نظری دارند، ندارند. هر دوی این شیوه‌های تحلیل ظاهراً متضاد، ناباوری نسبت به روایت‌های بزرگ را نشان می‌دهند و چنین دیدگاه‌هایی را غیرتاریخی می‌دانند.

هر دو موافق هستند که چنین رویکردهایی بینش‌های ایدئولوژیک خطرناکی را بر تاریخ جهان تحمیل می‌کنند. به گونه‌ای که مورخان سنتی چنین دیدگاه‌هایی را «جدال تاریخی

بد» می‌دانند و تاریخ‌نگاران رادیکال آن‌ها را «پروژه‌های کل‌سازي غيرتاریخی» می‌دانند. بنابراین هر دو تمایل به تمسخر تلاش‌های فراتاریخی برای ارائه تصاویر جهان‌شمول از علیت دارند که در طول زمان و مکان متفاوت است. از این نظر، هر دو رویکرد در عمل، یافته‌های نظری گسترده را دور از دسترس قرار می‌دهند. در واقع، هم مورخان سنتی و هم تاریخ‌نگاران رادیکال، روایت‌های کلان را زیر سوال می‌برند ولی در عین حال جایگزینی نیز ارائه نمی‌دهند. بنابراین، علی‌رغم تفاوت‌های معرفت‌شناختی‌شان، این دو رویکرد حول گرایش به جزیی‌گرایی و مقاومت مشترک در برابر روایت‌های تئوریک همگرا می‌شوند. به این ترتیب، هر دو رویکرد حداقل در مورد ساختار جهان اجتماعی و امکان نظریه‌پردازی تاریخی بسیار شبیه به هم هستند (Hobson & Lawson, 2008: 427).

جامعه‌شناسی تاریخی تاریخ‌گرا

یکی از چهره‌های اصلی رویکرد جامعه‌شناسان تاریخی تاریخ‌گرا، ای. اچ. کار است. کار در مورد برخی از برجسته‌ترین اسطوره‌ها درباره تاریخ و تئوری تحقیق کرد تا یک سوال ظاهراً ساده و در عین حال دشوار بپرسد که تاریخ چیست؟ (Carr, 1961). بر خلاف رویه مورخان سنتی، از نظر کار اولین گام در مطالعه تاریخ، مطالعه مورخ و بافت وسیع‌تری (محیط تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی) است که در آن تحقیق انجام می‌دهد و حقایق تاریخی در آن انباشته شده است. بنابراین، این واقعیت که آثار تاریخی هرگز برای خود صحبت نمی‌کنند، بلکه در درون ماتریس‌های اجتماعی گسترده‌تر جای می‌گیرند، به این معناست که هیچ حقیقت مطلقاً درباره گذشته به شیوه‌ای که مورخان سنتی ترویج می‌کنند، وجود ندارد. این بدان معنی است که تاریخ‌گرایی با ایده زمینه-گرایی که توسط افرادی مانند کوئنتین اسکینر در «مکتب کمبریج» توسعه داده شد، پیوند نزدیک دارد (Bell, 2003: 155). گفتگوی بین گذشته، حال و آینده که در بینش کار از روش تاریخی وجود دارد به این معنی است که وظیفه مورخ عبارت است از تمایز بین علل مهم و تصادفی، باز ماندن در برابر حقایق جدید و تفسیر و تبیین یک موضوع. چنین درکی از تاریخ در مرکز جامعه‌شناسی تاریخی تاریخ‌گرا نهفته است. بر خلاف تاریخ‌دانان رادیکال، جامعه‌شناسان تاریخی تاریخ‌گرا می‌پذیرند که تاریخ قابل دانستن

است، اما اصرار دارند که مورخان سنتی نمی‌توانند ادعا کنند که حقیقتی عینی وجود دارد زیرا تاریخ در زمان و مکان معینی تولید می‌شود و تابع تفاسیر عمل‌کنندگان آن است (Hobson & Lawson, 2008: 429).

۴. کاربرد تاریخ در روابط بین‌الملل

تاریخ تاثیر زیادی بر روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها می‌گذارد. مقامات دولتی خواسته یا ناخواسته برای رسیدگی به اموری که امروز در حال وقوع است، به درک و برداشت خود از گذشته تکیه می‌کنند و به دنبال این هستند که مسائل جدید و پیچیده را با بینش‌هایی که از قبل به دست آورده‌اند مدیریت کنند که اگر دانش تاریخی آن‌ها به درستی مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند تأثیر بسزایی در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشد. سیاستمداران زمانی می‌توانند از رابطه موفقیت‌آمیز بین تاریخ و سیاست بهره‌مند شوند که به درستی از محدودیت‌های رابطه آن‌ها آگاه باشند. در دنیای ایده‌آل، تاریخ بینشی اساسی بوجود می‌آورد که پیچیدگی‌های یک موضوع سیاسی معین را مرتفع می‌سازد و راه آتی را به وضوح روشن می‌سازد. اما در واقعیت این امر عملاً به دو دلیل اتفاق نمی‌افتد. اولاً به ندرت یک تفسیر پذیرفته شده از گذشته وجود دارد و تاریخ با توجه به کشف شواهد جدید تمایل به تفسیرهای متفاوت دارد. ثانیاً تفاوت‌های بین دو موقعیت تاریخی تقریباً بیش از شباهت‌ها است بنابراین حتی اگر بتوان یک درس درست از گذشته استخراج کرد، به کارگیری آن درس در زمان حال بی‌فایده است.

یکی از متداول‌ترین قیاس‌های تاریخی، قیاس ویتنام است. تجربیات ایالات متحده در ویتنام اغلب توسط طیف شاهین‌ها (جنگ طلبان) و طیف کیوترها (صلح طلبان) در مورد مداخلات نظامی آمریکا در حال حاضر مورد استناد قرار می‌گیرد. البته این واقعیت هم وجود دارد که شباهت‌های بین ویتنام و هر جنگی که امروز مورد بحث قرار می‌گیرد، در بهترین حالت همواره پر از اشکال است و جای تعجب نیست که تاریخ نتواند در مورد عراق، لیبی، سوریه و ... نتیجه‌گیری سیاسی روشنی ارائه دهد. بنابراین سیاستگذاران باید در مورد اینکه تاریخ چه نوع بینش‌هایی می‌تواند ارائه دهد، منطقی باشند. تاریخ نمی‌تواند پاسخ‌های روشن و قطعی به پرسش‌های دشوار سیاست ارائه دهد. آنچه که تاریخ می‌تواند انجام دهد این است که به تفکر دقیق و هوشمندانه در

مورد یک مشکل خاص کمک کند. به بیان دیگر، تاریخ قطعاً می‌تواند به سیاست‌های خوب کمک کند، اما نمی‌تواند به تنهایی آن‌ها را تولید کند (Lawrence, 2015: 50-52).

۴-۱. تاریخ به عنوان اهرم تحلیلی در بحث‌های کلیدی سیاسی

اگر این سوال که آیا آمریکا در بلندمدت در حال افول است را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که تاریخ به ما یادآوری می‌کند اولین بار نیست که این بحث مطرح می‌شود و در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نیز در مورد افول آمریکا پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته بود که در نهایت نادرست بودند، زیرا آن‌ها هم نقاط قوت آمریکا (جذابیت آرمان‌های آمریکایی و انعطاف‌پذیری اقتصاد ایالات متحده) و هم چالش‌های بلندمدتی را که رقبای آمریکا باید با آن‌ها دست و پنجه نرم کنند را دست کم گرفته بودند. البته این امر به هیچ وجه ثابت نمی‌کند که پیش‌بینی‌های دوباره امروز درباره افول نادرست خواهند بود بلکه مسئله اصلی این است که تاریخ می‌تواند به تحلیل روشن‌تری از مساله کمک کند. مثلاً می‌تواند ما را وادار کند که نگاه دقیق‌تری به پیش‌بینی‌های مستقیم افول آمریکا بیندازیم و نقاط قوت و ضعف‌های آن را در ارزیابی‌های ژئوپلیتیکی در نظر بگیریم. علاوه بر این، تاریخ می‌تواند به ما یادآوری کند که سؤال استراتژیک مهمی که باید بررسی کنیم این است که آیا موج افول‌گرایی امروز متفاوت از موج‌های قبلی است یا خیر، و از این طریق می‌تواند به ما کمک کند تا با مسائل زوال و تجدید حیات، سازمان یافته‌تر و دقیق‌تر برخورد کنیم و با مقایسه قدرت ایالات متحده در طول زمان نسبت به سایر بازیگران به دیدگاه روشن‌تری دست پیدا کنیم.

۴-۲. تاریخ به عنوان منبعی برای شناخت خود و شناخت کشورهای دیگر

تاریخ علاوه بر اینکه در شناخت بهتر جوامعی که با آن‌ها تعامل داریم به ما کمک می‌کند، در شناخت خود و نقشی که در جهان ایفا می‌کنیم نیز کمک می‌کند. تاریخ می‌تواند به سیاستمداران انگیزه‌ها و ویژگی‌های بازیگرانی که در امور جهانی با آنها روبرو می‌شوند را نشان دهد. به عنوان مثال تاریخ به آمریکا نمی‌گوید که ولادیمیر پوتین فردا در اوکراین یا سوریه چه خواهد کرد اما درک اینکه پوتین چگونه تاریخ روابط روسیه و ایالات متحده پس از جنگ سرد را تفسیر می‌کند، مطمئناً می‌تواند آن‌ها را از چنین

تصمیماتی آگاه کند. یا درک روایات چینی در مورد «قرن تحقیر» برای فهم نحوه رفتار بکن در دنیای امروز بسیار مهم است. نادیده گرفتن بینش‌هایی که تاریخ می‌تواند در مورد کشورهای دیگر و جوامع دیگر ارائه دهد، بسیار خطرناک است. مثلاً اشتباهات زیادی در آستانه حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ رخ داد اما یکی از شدیدترین آن‌ها، عدم توجه کافی به تاریخ عراق بود یعنی کشوری که تحت سلطه دیکتاتوری‌های خفقان‌آور و شکاف‌های فرقه‌ای بوده و برای گذار سریع به دموکراسی آماده نیست. نگاه دقیق‌تر به تاریخ عراق علاوه بر اینکه بینش بیشتری در مورد مسیر احتمالی پس از آزادی عراق ایجاد می‌کند، حساسیت بیشتری هم نسبت به قدرت نیروهای که رژیم صدام و دیگر دیکتاتورهای عراق سرکوب کرده بودند، بوجود می‌آورد (Tertrais, 2016: 15-16). به همان اندازه که تاریخ می‌تواند برای درک و شناخت کشورهای دیگر ضروری باشد، برای درک کشور خود نیز الزامی است. همانطور که والتر راسل مید می‌گوید «دست و پنجه نرم کردن با تاریخ سیاست خارجی ایالات متحده می‌تواند آگاهی بیشتری از ایده‌ها و انگیزه‌های پایدار - از ویلسونیسیم تا جکسونیسیم - که مدت‌هاست تعامل آمریکا با جهان را شکل داده است، ایجاد کند. این امر می‌تواند آمریکا را از نقش حیاتی که در چندین دهه گذشته در ایجاد و حفظ نظم جهانی لیبرال ایفا کرده است و همچنین از عواقب عمیقی که در نتیجه خروج از آن نقش سنتی ممکن است به دنبال داشته باشد، آگاه سازد (Mead, 2001).

۳-۴. تاریخ به عنوان منبعی برای آنالوگ‌ها

قیاس‌ها نمایانگر برجسته‌ترین و مشکل‌ترین جنبه روابط تاریخ و سیاست هستند. چیزی که امروز اتفاق می‌افتد شبیه چیزی است که قبلاً رخ داده است و تلاش برای بدست آوردن بینش سیاسی از آن را قیاس می‌گویند که متداول‌ترین روشی است که سیاست‌گذاران از طریق آن دانش تاریخی خود را به کار می‌گیرند (Brands and Suri, 2015: 11). اگر تاریخ سیاست خارجی اخیر ایالات متحده را بررسی کنیم متوجه می‌شویم که چقدر استفاده از قیاس‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاستمداران آمریکایی رایج است. به عنوان مثال قیاس بالکان بر واکنش ایالات متحده نسبت به بحران انسانی در لیبی در سال ۲۰۱۱ و قیاس لیبی بر رویکرد دولت اوباما نسبت به درگیری‌های خاورمیانه مخصوصاً

سوریه تاثیر گذاشت. البته استدلال قیاس می‌تواند بسیار مشکل‌ساز باشد زیرا قادر است حساسیت سیاست‌گذاران را نسبت به اهمیت واقعه کاهش دهد و باعث شود که تداوم بین گذشته و حال بیش از حد بیان شود. با توجه به این خطرات به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران باید از قیاس‌ها اجتناب کنند ولی این اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا استدلال قیاس اجتناب‌ناپذیر است. کاملاً طبیعی است که مقامات دولتی به دنبال قیاس‌های تاریخی باشند که بتوانند از آنها برای فهم اطلاعات و چالش‌های جدید استفاده کنند، به‌ویژه هنگامی که این چالش‌ها باید در فضایی از عدم قطعیت و فشارهای زمانی حل شوند. به همین دلیل سیاست‌گذاران به طور معمول برای راهنمایی به گذشته روی می‌آورند (Khong, 1992: 252). بنابراین باید تا حد ممکن از قیاس‌ها با دقت و منتقدانه استفاده شود. برای محقق شدن این امر انجام دو کار مفید است. اولاً قیاس‌ها باید شروع تحقیق در مورد تداوم بین گذشته و حال را نشان دهند، نه پایان آن. یعنی به عنوان یک نقطه عزیمت فکری برای بازبینی شباهت‌ها و تفاوت‌های زمان حال با آنچه در گذشته بوده است، عمل کند. مثلاً بجای اینکه استدلال کند که مداخله آمریکا در سوریه به احتمال زیاد تبدیل به «عراق دیگر» یا «ویتنام دیگر» می‌شود، باید تفکر انتقادی در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های گذشته و حال ایجاد کند که به تفسیر سیاستمداران از موقعیت‌های پیچیده کمک می‌کند. ثانیاً می‌توان از قیاس‌های تطبیقی استفاده کرد یعنی بررسی دو، سه یا چهار رخداد گذشته با حادثه اخیر نه فقط یک قیاس واحد. انجام این کار می‌تواند به روشن شدن جنبه‌های متعدد مشکل فعلی کمک کند و تداوم‌های احتمالی را مشخص کند و در عین حال از به دام انداختن سیاست‌گذاران در چشم‌انداز واحد جلوگیری کند (Brands and Suri, 2015: 13).

مثلاً آیا روابط آمریکا و چین در حال حاضر شبیه روابط انگلیس و آلمان قبل از جنگ جهانی اول است یا رابطه آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی پس از جنگ جهانی دوم؟ آیا بحران سوریه بیشتر شبیه بحران عراق در سال ۲۰۰۳ است یا بحران بالکان در اواسط دهه ۱۹۹۰؟ این بررسی‌ها باعث می‌شود که سیاست‌گذاران تشخیص دهند که کدام یک از این مقایسه‌ها مناسب‌تر است. مثلاً برخی از متفکران ادعا می‌کنند که ایالات متحده امپراتوری مانند امپراتوران گذشته است فقط به این دلیل که قدرتمند است در حالی که

دیگران استدلال می‌کنند که امپراتوری نیست زیرا برخلاف قدرت‌های بزرگ گذشته، قلمرو خود را گسترش نمی‌دهد (Nye, 1990). این نوع آثار بسیار جالب و مهم هستند و می‌توان آن‌ها را با پژوهش‌های تاریخی-تطبیقی با امپراتوری‌های بزرگ گذشته تجزیه و تحلیل کرد.

۴-۴. تاریخ به عنوان منبع چشم‌انداز استراتژیک

سیاست خارجی ذاتاً بحران‌محور است چون به رویدادهای غالباً پیش‌بینی نشده‌ای که نیاز به تصمیم‌گیری سریع دارد پاسخ می‌دهد و به ندرت زمان لازم برای تأمل و تفکر کافی دارد. بنابراین یکی از الزامات استراتژی موفق در سیاست خارجی حفظ چشم‌انداز و صبر استراتژیک است. این امر مستلزم تعیین یک دوره بلندمدت و سپس گذر از طوفان‌ها و مشاجرات اجتناب‌ناپذیر بدون کنار گذاشتن آن‌هاست. در چنین شرایطی، تاریخ می‌تواند بسیار مفید باشد. درک تاریخ سیاست خارجی آمریکا نشان می‌دهد که حتی موفق‌ترین استراتژیست‌های ایالات متحده - از هری ترومن تا رونالد ریگان - در این مسیر با موانع و مشکلات بیشماری روبرو شده‌اند و اشتباهات بسیاری انجام داده‌اند. به عنوان مثال ترومن در جنگ کره درگیر شد ولی با اتخاذ استراتژی مهار، موقعیت‌های قدرتمندی را ایجاد کرد که در نهایت به پیروزی آمریکا در جنگ سرد کمک کرد. ریگان نیز دچار اشتباهاتی در ماجرای ایران-کنترا و تشدید تنش‌ها با اتحاد جماهیر شوروی شد ولی در نهایت با اتخاذ استراتژی بزرگ به خاتمه جنگ سرد با شرایط آمریکا کمک کرد. علاوه بر این، ترومن و ریگان هر دو دستاوردهای تاریخی را در مواجهه با انتقادهای عمومی داخلی و در بحبوحه کشمکش‌های دائمی حزبی بدست آوردند. مطمئناً نباید تجربیات این دولت‌ها را به عنوان مدرکی خواند که یک رئیس‌جمهور باید به سادگی همه انتقادات را کنار بگذارد، همه بازخوردهای منفی را نادیده بگیرد و کورکورانه در مسیر انتخابی خود استقامت کند. با این حال، آنچه این موارد تاریخی نشان می‌دهد این است که مناقشات و بحران‌ها بخشی از سیاست خارجی هر دولت است بنابراین درجه‌ای از دیدگاه استراتژیک و صبر استراتژیک برای حفظ هر استراتژی در طول زمان ضروری است (Inboden, 2014: 310-312).

۴-۵. تاریخ به عنوان منبعی برای درک موفقیت و شکست سیاست‌گذاران

تشخیص اینکه آیا یک ابتکار سیاسی معین موفق بوده یا شکست خورده، نسبتاً آسان است. اما فهم چرایی موفقیت یا شکست آن ابتکار سخت است. آیا یک سیاست به این دلیل موفق شد که از طریق یک فرآیند ساختارمند و سیستماتیک مورد بررسی قرار گرفت و سپس توسط بوروکراسی اجرا شد؟ یا فقط به دلیل خوش‌شانس بودن یک دولت موفق شد؟ آیا یک خط‌مشی معین شکست خورده است زیرا این سیاست به خودی خود دارای اشکال اساسی بوده است؟ یا این سیاست با توجه به اطلاعات و انتخاب‌های موجود منطقی بوده ولی بخاطر شرایطی که حتی یک رهبر ماهر نیز قادر به کنترل آن نیست، غافلگیر و در نهایت شکست خورده است.

از آنجائیکه سیاست‌گذاران اغلب به دنبال تکرار موفقیت‌های قبلی و اجتناب از اشتباهات پیشین هستند بنابراین اتخاذ سیاست خوب مستلزم این است که مقامات دولتی واقعاً بفهمند که چرا برخی از ابتکارات در گذشته موفق بوده یا شکست خورده است (Jervis, 1976: 276). اما به دلیل ماهیت بحران‌محور سیاست‌گذاری، این مقامات بندرت این فرصت را دارند که به گذشته برگردند و عملکرد خود را تا به امروز به روشی سیستماتیک ارزیابی کنند. تاریخ در این موارد می‌تواند وسیله‌ای مهم برای درون‌نگری و ارزیابی خود باشد و به مقامات کمک کند تا فراز و نشیب کارنامه خود را به طور سیستماتیک بررسی کنند.

۴-۶. تاریخ به عنوان منبعی برای ردیابی فرآیندها

ردیابی فرآیند روشی برای شناسایی مراحل در یک فرآیند علی است که منجر به نتیجه-ای معین از یک مورد خاص در یک زمینه تاریخی می‌شود. پژوهشگر با استفاده از ردیابی فرآیند، یک سیاست را با شناسایی زنجیره(های) علی که متغیرهای مستقل و وابسته را به هم مرتبط می‌کند، ارزیابی می‌کند. هدف او کشف روابط بین علل احتمالی و نتایج مشاهده شده است. از آنجا که مفهوم ردیابی فرآیند در حال حاضر در روابط بین‌الملل رایج شده است، محققان از آن به طرق مختلف برای کشف مکانیسم‌های علی یک سیاست خاص استفاده می‌کنند (Vennesson, 2010: 7). بر این اساس تحلیلگران به تجزیه و تحلیل علی در فرایندهای گذر زمان توجه دارند مانند علل انقلاب‌های

اجتماعی یا علل تشکیل دولت‌ها یعنی از نظر تاریخی یک وابستگی علی بین رویدادها و فرایندهای پیشین و رویدادها و فرایندهای معاصر وجود دارد. مثلاً بدون درک فرآیند تاریخی توضیح اینکه چرا ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد، سخت است.

۴-۷. تاریخ به عنوان منبعی برای نظریه‌سازی و مدل‌سازی

تاریخ می‌تواند به عنوان بستر و ابزاری برای ایجاد، آزمایش و پالایش فرضیه‌ها و نظریه‌های روابط بین‌الملل عمل کند. مثلاً گراهام آلیسون با یک پژوهش تاریخی طی پانصد سال گذشته به این نتیجه رسید که در شانزده مورد، یک قدرت بزرگ روبه رشد، یک قدرت حاکم را تهدید به جانشینی کرده است که دوازده مورد از این تعداد منجر به جنگ شده است. چهار موردی هم که از جنگ اجتناب کردند تنها به دلیل تغییر در نگرش‌ها و به چالش کشیده شدن اقدامات متقابل طرف رقیب بوده است. در حال حاضر از این نظریه برای توضیح رقابت فعلی میان ایالات متحده و چین استفاده می‌شود.

علاوه بر نظریه‌سازی می‌توان از شواهد تاریخی برای تایید نظریه‌ها نیز استفاده کرد. مثلاً ارگانسکی معتقد است که در طی انتقال قدرت اگر بازیگر چالش‌گر از گروه کشورهای ناراضی باشد به جنگ ختم می‌شود و اگر از گروه کشورهای راضی باشد انتقال قدرت مسالمت‌آمیز خواهد بود. وی برای تایید گزاره اول خود از جنگ فرانسه و آلمان در سال ۱۸۷۰ و برای تایید گزاره دوم خود از آنچه بین بریتانیا و آمریکا در قرن بیستم اتفاق افتاد، استفاده می‌کند.

۵. مراحل پژوهش تاریخی

مطابق جدول ۱، پژوهش تاریخی سه گام مقدماتی و سه گام اساسی دارد که در زیر به صورت جداگانه به تشریح هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

جدول ۱: گام های پژوهش تاریخی

ردیف	گام	مراحل	توضیح
۱	مقدماتی	تعیین و تحدید بیان مسئله	تمرکز روی یک مسئله و مشخص کردن محدوده آن و نوشتن طرح پژوهش
۲		تدوین فرضیه	پاسخ به سوال اصلی پژوهش
۳		گردآوری اطلاعات	استفاده از انواع روشها برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش
۴	اساسی	ارزشیابی منابع	ارزیابی بیرونی و درونی منابع و کشف منابع معتبر و موثق
۵		توصیف	بازسازی پدیده تاریخی و توضیح توالی زمانی و سیر فرآیندی آن تا وقوع حادثه به صورت یک جریان منظم
۶		تجزیه و تحلیل	تفسیر یافته‌ها و آزمون فرضیه و کشف الگوها و ربط منطقی بین رویدادها

۱-۵. تعیین و تحدید بیان مسئله

همانند سایر روش‌های تحقیق مراحل آغازین تحقیق تاریخی شامل انتخاب موضوع، بیان مسئله و گزاره‌های تحقیق است. پاسخ به چهار سوال زیر می‌تواند انتخاب موضوع و بیان مسئله را تسهیل کند: رویداد مورد بررسی در کجا رخ داده است؟ چه کسانی با این رویداد سروکار داشته اند؟ در چه زمانی این رویداد واقع شده است؟ چه فعالیت-هایی در این مورد صورت گرفته است؟ بنابراین می‌توان گفت که طیف پاسخ‌ها به هر یک از سوال‌های یادشده می‌تواند گستره مسئله مورد مطالعه را وسیع‌تر یا محدودتر کند (سرمد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴-۱۲۳).

۲-۵. تدوین فرضیه

مطالعه تاریخی همانند مطالعه تجربی باید مبتنی بر یک فرضیه باشد در غیر این صورت تحقیق به یک جست‌وجوی بی‌هدف برای پیدا کردن گنج تبدیل می‌شود (طاهری، ۱۳۸۰: ۱۴۰). در این راستا پژوهشگر تاریخی پس از بیان مساله از طریق مطالعه منابع

مربوط به موضوع مورد تحقیق، راه‌حلی برای مسائل تعریف شده ارائه می‌دهد. این راه‌حل‌های موقت در حقیقت فرضیه‌هایی هستند که پژوهشگر تاریخی علاقه‌مند به آزمون آن است. اما به علت ماهیت پیچیده تاریخ امکان بیان فرضیه به صورت صریح ممکن نیست و معمولاً به طور ضمنی بعد از مطالعه و بررسی مطرح می‌گردند. به گونه‌ای که مورخ شواهد را جمع‌آوری نموده و صحت آنها را به دقت ارزشیابی می‌کند؛ اگر شواهد جمع‌آوری شده با پیامدهای فرضیه هماهنگ باشند، فرضیه تایید می‌شود و از طریق چنین ترکیبی است که تعمیم‌های تاریخی محقق می‌شود (بست، ۱۳۶۷: ۱۸۱).

۲۵

۳-۵. گردآوری اطلاعات

در پژوهش تاریخی روش‌های گردآوری اطلاعات عمدتاً به سه صورت میدانی، کتابخانه‌ای و اسنادی امکان‌پذیر است:

- روش میدانی: در این روش پژوهشگر می‌کوشد تا منابع و اطلاعات مربوط به پژوهش خود را با روش‌های متفاوتی چون تهیه پرسشنامه، مصاحبه، گفت‌وگو، فیلم، اسلاید، سفر به اماکن تاریخی، کاوش‌های باستان‌شناسانه و... به دست آورد.

- روش کتابخانه‌ای: کتاب و کتابخانه ابزار اصلی هر پژوهش و نقطه عزیمت گردآوری اطلاعات و داده‌های تاریخی است که پژوهشگر پس از شناسایی منابع و دسته‌بندی آنها از نظر اهمیت، کار خود را از کتاب و کتابخانه آغاز می‌کند.

- روش اسنادی: در این روش، پژوهشگر به جای جست‌وجوی میدانی یا کتابخانه‌ای در پی شناسایی اسناد و مدارک آرشیوی است که به صورت مکتوب و یا رایانه‌ای در اختیار سازمان‌ها، نهادها، وزارت‌خانه‌ها، و موسسات مهم پژوهشی و حتی مراکز نظامی، امنیتی، اقتصادی و ... قرار دارد. پژوهشگر باید قبلاً با مراجعه به این مراکز موافقت و نیز مجوزهای لازم را جهت دستیابی به اسناد دریافت دارد (ملائتی توانی، ۱۳۸۶: ۹۱-۹۰).

یکی از تفاوت‌های روش تاریخی با سایر روش‌های تحقیق این است که در این روش پژوهشگر برای گردآوری داده‌ها همانند محقق علوم پایه (مثلاً شیمی) به مشاهده مستقیم نمی‌پردازد بلکه به گردآوری آثار و ردپای وقایع می‌پردازد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴). یکی از عمده‌ترین وظایف هر محقق تاریخی، دستیابی به منابع اطلاعاتی و جمع‌آوری مهم‌ترین اطلاعات موجود برای حل مسئله تحقیق است. به همین دلیل هر شی یا



سند ثبت‌شده‌ای که به نظر برسد منبع اطلاعاتی بالقوه‌ای درباره گذشته است، مورد توجه محقق قرار می‌گیرد. از آنجا که او قادر به مشاهده حوادث گذشته نیست، بنابراین تلاش می‌کند تا بهترین منابع اطلاعاتی در دسترس را پیدا کند (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۳۸). به صورت کلی می‌توان منابع تاریخی برای جمع‌آوری اطلاعات را مطابق جدول ۲ به سه دسته اصلی تقسیم کرد.

جدول ۲: منابع تاریخی

ردیف	انواع منابع	توضیح
۱	اسناد و مدارک	انواع گزارش‌های مکتوب، صوتی، تصویری و فیلم
۲	آثار و ابنیه	ساختمان‌ها، کاخ‌ها، کتیبه‌ها، سفال‌ها، سکه‌ها، ظروف، ابزاروآلات و ...
۳	تاریخ شفاهی	روایت‌ها و گزارش‌های رسمی گذشته از زبان شاهدان و راویان مورد وثوق

۴-۵. ارزشیابی اعتبار منابع پژوهشگران تاریخی هرگز قادر نیستند که حوادث را به طور مستقیم مشاهده کنند؛ بعلاوه حوادث گذشته هم قابل تکرار نیستند. بنابراین پژوهشگران نباید فرض کنند که یافته‌های آن‌ها به طور حتم واقعی و درست هستند. از آنجا که اطلاعات تاریخی از منابع استخراج می‌شوند، پژوهشگر باید خیلی دقیق به بررسی آن‌ها بپردازد و میزان اطمینان به صحت و سقم منابع را تعیین کند (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۴۱-۲۴۰). ارزشیابی منابع تاریخی را انتقاد تاریخی می‌گویند که به دو دسته تقسیم می‌شود: انتقاد بیرونی و انتقاد درونی مطابق جدول ۳.

جدول ۳: ارزشیابی منابع تاریخی

ردیف	نوع نقد	اقدامات
۱	بیرونی	ارزیابی ماهیت منابع با تاکید بر اصل بودن سند
۲	درونی	ارزیابی محتوای سند

۵-۵. توصیف تاریخی

پژوهشگر در مقام توصیف به این مقوله می پردازد که پدیده تاریخی، کی، کجا، در چه موقعیتی، چگونه، به وسیله چه کسی یا کسانی و به چه صورتی ظهور یافته است؟ آن‌ها در این مقام محتاج اسناد و مدارک هستند و هر چه توصیف دقیق‌تر باشد مراحل بعدی کامل‌تر می‌گردد. توصیف لزوماً کشفی نیست بلکه غالباً پژوهشگر ناچار از بازسازی است. آغاز مطالعه تاریخی این مرحله است که در آن محقق غالباً با سه مسئله مواجه است: توصیف ظهور، تطور و وضعیت نهایی پدیده تاریخی. به بیان دیگر آنچه در این مرحله صورت می‌گیرد این است که پژوهشگر باید با رعایت زنجیره تاریخی، چگونگی ترتیب وقوع حوادث را وصف کند.

۵-۶. تجزیه و تحلیل

پس از توصیف حقایق تاریخی، پژوهشگر باید به تفسیر این حقایق با عنایت به مسأله‌ای که درصدد پاسخگویی به آن است، بپردازد. در این مرحله او باید به محدود بودن اطلاعات خود آگاه باشد و به علت کامل نبودن منابع و دشواری بررسی اعتبار اطلاعات جمع‌آوری شده نیاز به داشتن قوه خلاقیت و تخیل بسیار نیرومند برای تفسیر یافته‌های خود است اما نباید اجازه دهد که قوه تخیل از سلطه او خارج شود.

در واقع عرصه‌ای که بیش از همه از توانمندی پژوهشگر و احاطه او بر موضوع حکایت می‌کند و قدرت ابتکار و نوآوری او را نشان می‌دهد، تحلیل داده‌هاست. این مرحله تا حد زیادی با مرحله تصفیه و ارزیابی داده‌ها شباهت دارد. با این تفاوت که در مرحله تصفیه، پژوهشگر اقدامات سلبی انجام می‌دهد یعنی واقعیات و داده‌های درست و منطقی را از داده‌های نادرست جدا می‌کند اما در این مرحله، پژوهشگر باید به کار ایجابی دست بزند، یعنی بر اساس داده‌های باقی‌مانده اثری تحقیقی خلق کند که از نظر علمی و روشی قابل دفاع باشد. پژوهشگر در پدیدآوردن اثر تحقیق باید به اصل رخداد، علل و چگونگی وقوع آن، ارتباط آن با پدیده‌ها و رخداد‌های جانبی، عوامل تاریخی، روند رخداد به صورت فرآیند یا واقعه، نقش عوامل موثر یا متاثر از آن و نیز پیامدهای حاصل از رخداد بپردازد تا فهمی عمیق از رویداد مزبور ایجاد کند (ملائی توانی، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

به همین دلیل تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها باید با عنایت به فرضیه‌های تدوین شده صورت پذیرد. باید توجه داشت که حقایق مجزا معنی ندارند و طبقه‌بندی صرف آن‌ها را نمی‌توان پژوهش تاریخی نامید. بنابراین لازم است که اطلاعات در ارتباط با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته و استنتاج و تعمیم آن‌ها به صورت یک مجموعه واحد انجام شود تا تمام جوانب آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار گیرد (دلاور، ۱۳۸۶: ۱۴۷). برای تحلیل داده‌ها و برقراری رابطه علی بین آن‌ها، پژوهشگر باید به اصولی به شرح جدول ۴ توجه کند.

جدول ۴: اصول پژوهش تاریخی

ردیف	اصول	توضیح
۱	بی‌طرفی	تفسیر فرازمانی و فرامکانی و رهایی از ارزش‌های ذهنی
۲	تأمل و شک‌گرایی مثبت	تامل در پذیرش داده‌ها بر اساس عقل سلیم
۳	استقرا	غور کردن در اسناد و شناسایی جزء جزء حوادث برای دستیابی به شناخت جامع
۴	جامعیت	نگاه سیستمی به حوادث و معنایی آن در شبکه‌ای از علت‌ها

۶. الزامات روش تاریخی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل

در صورتی که محقق روابط بین‌الملل درصدد انجام تحقیق تاریخی باشد بایستی الزاماتی در تحقیق خود رعایت کند که دچار مشکلاتی چون گزینش یا سوگیری نشود. در ادامه دستورالعمل‌های کلی برای به حداقل رساندن این مشکلات ارائه می‌شود.

یکی از عمده‌ترین وظایف هر محقق تاریخی، دستیابی به منابع اطلاعاتی و جمع‌آوری مهم‌ترین اطلاعات موجود برای حل مسئله تحقیق است. در این مرحله محققان باید تا حد امکان به اسناد دست اول و آرشیوی استفاده کنند. اولین مسئله‌ای که محقق هنگام شروع انتخاب منابع اصلی خود با آن مواجه می‌شود این است که آنها از بسیاری جهات محقق را انتخاب کرده‌اند. به عنوان مثال، احتمالاً از منابعی استفاده می‌کند که به راحتی در دسترس هستند، مگر اینکه زمان و پول لازم برای سفر به یک مخزن خاص را داشته باشد. ممکن است از منابعی استفاده کند که توسط شخص یا سازمانی برای اهداف خاصی حفظ شده است. ممکن است از منابعی استفاده کند که به طور تصادفی در طول

زمان باقی مانده‌اند، در حالی که سایر منابع که به همان اندازه مهم هستند ممکن است از بین رفته باشند. بعلاوه، برخی از منابع ممکن است به زبانی دیگر نوشته شده باشد که در صورت استفاده نیاز به تفسیر دارند. بنابراین، از بین تمام منابع اولیه که ممکن است در رابطه با موضوع محقق وجود داشته باشد او به طور خودکار با گروه کوچکتری سروکار دارید که ممکن است دارای سوگیری نیز باشند. در اینجا محقق برای به حداقل رساندن عنصر گزینش بایستی از منابع اولیه متنوع استفاده کند (Thies, 2002: 356). تکیه انحصاری بر زندگی‌نامه‌ها و خاطرات تفسیر پژوهشگر را به سمت نحوه نگرش شرکت کنندگان یا تصمیم‌گیران سوق می‌دهد. بنابراین وظیفه محقق این است که بررسی کند این رویداد چگونه در روزنامه‌ها گزارش شده و چه گزارش‌های همزمان دیگری را می‌تواند پیدا کند؟ با مثلث‌بندی منابع مختلف و به حداکثر رساندن پوشش آرشیمی خود، پژوهشگر باید بتواند سوگیری‌ها را در منابع فردی آشکار کند و در نهایت بازنمایی دقیق‌تری از تاریخ بیان کند (Elman & Elman, 2001: 27).

پس از یافتن گروهی از منابع اولیه، محقق می‌تواند به ارزیابی منابع برود. برای ارزیابی یک سند، یک محقق حرفه‌ای ابتدا آن را در معرض نقد بیرونی قرار می‌دهد، یعنی بررسی صحت و اعتبار آن. مرحله بعدی در ارزیابی یک سند، نقد داخلی یا بررسی محتوای سند است. محتوای سند باید نسبت به آنچه در مورد بازیگران، نیت، تعاملات آنها و ... بیان کرده است سنجیده شود. رجوع به روزنامه‌ها به عنوان یک منبع مفید در این فرآیند پیشنهاد می‌شود. روزنامه‌ها امکان ساخت گاه‌شماری از وقایع را می‌دهند که از طریق تفاسیر بعدی فیلتر نشده‌اند. یک زمان‌بندی دقیق بسیار مهم است زیرا توالی وقایع به ما می‌گوید که بازیگران چگونه به یکدیگر و به موقعیت واکنش نشان می‌دادند (Larson, 2001: 348). یکی دیگر از وظایف محقق این است که با یک مورخ حرفه‌ای یا اندیشمند علوم سیاسی که در انجام تحقیقات آرشیمی تجربه دارد، مشورت کند. یک محقق ممکن است شواهد را به اشتباه تفسیر کند و در نتیجه استنتاج نادرستی در مورد رویدادهای گذشته به دست آورد یا ممکن است حقایق مهمی را در مورد رویداد نادیده بگیرد و پژوهش او به یک گزارش ناعادلانه منجر شود. در نهایت، یک محقق ممکن است دلایل مهمی را در توضیح علی‌برخی رویدادها، یا آنچه دانشمندان علوم سیاسی به

عنوان سوگیری متغیر حذف شده از آن یاد می‌کنند، را حذف کند و گزارشی گمراه کننده ارائه دهد. بنابراین برای کاهش و دوری از چنین سوگیری‌هایی محقق باید از منابع دست دوم استفاده کند. به بیان دیگر هرگز به گزارش یک مورخ از یک رویداد تکیه نکند. همیشه با دیگر مورخانی که در یک سنت تاریخ‌نگاری کار می‌کنند، یا با مورخانی که در سنت‌های مختلف کار می‌کنند، تبادل اطلاعات داشته باشد (Thies, 2002: 360). محقق باید نسبت به مورخانی که ادعا می‌کنند صرفاً حقایق را گزارش می‌کنند، جانب احتیاط را رعایت کند. همه واقعیت‌ها تفسیرهایی مبتنی بر نظریه‌های ضمنی هستند. مورخی که ادعا می‌کند تاریخ را «انگونه که واقعاً بوده» گزارش می‌کند احتمالاً بر برخی نظریه‌های ضمنی تکیه می‌کند که یک محقق دقیق باید آنها را کشف کند.

وقتی محقق با کار مورخان و دانشمندان روابط بین‌المللی روبرو می‌شود که شهرت آنها پیش از آنهاست، باید از تأثیرات بالقوه یکسری از عوامل آگاه باشد. مثلاً هنری کیسینجر، دانشمند مشهوری است که کارش تاریخی است و بخاطر خدمات دولتی او در ایالات متحده، تجربیات رشد در آلمان قبل از جنگ جهانی دوم، تحصیلاتش در هاروارد و نسخه رئالیستی سیاسی او از تاریخ هم در میان مورخان و هم در میان دانشمندان روابط بین‌الملل به خوبی شناخته شده است. بنابراین محقق باید از بستر فکری چنین محققانی آگاه باشد. چون مورخان تمایل دارند پیش‌فرض‌های نظری خود را در کار خود کم اهمیت جلوه دهند در حالیکه در آثار خود از پیش‌فرض‌های نظری استفاده می‌کنند (Elman & Elman, 2001: 29). شواهد جدید کشف شده توسط محققان بعدی ممکن است گزارش‌های تاریخی قبلی را زیر سوال ببرد. به عبارت دیگر شواهد جدید ممکن است سوگیری‌ها از جمله تفسیر نادرست، حذف حقایق مهم، استفاده از حقایقی که نادرست هستند و حذف علل مهم را اصلاح کند. بنابراین محقق بایستی در بررسی منابع ثانویه، از جدیدترین آثار شروع کند و به عقب برود (Thies, 2002: 362).

۷. ارزیابی مقالات در حوزه روابط بین‌الملل با رویکرد تاریخی

در این بخش سعی می‌شود مقالاتی که با رویکرد تاریخ‌پژوهی به نگارش درآمده‌اند ارزیابی شوند. نویسندگان ۱۰ مقاله از فصلنامه‌های پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، رهیافت‌های سیاسی و بی‌المللی، سیاست، دانش سیاسی و مطالعات شبه قاره و ۳۰

مقاله از فصلنامه تاریخ روابط خارجی^۱ در بازه زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ که در خصوص سیاست خارجی و روابط خارجی ایران از دوران صفویه تاکنون نگاشته شده‌اند را بررسی می‌نمایند. شاخص‌ها و معیارهایی بر اساس الزامات و اصول مبتنی بر تاریخ-پژوهی ارائه می‌شود تا بتوان از رهگذر آن‌ها پژوهش‌های مبتنی بر روش تاریخی را در ترازو گذاشت و میزان مفیدیت و کاربردی بودن آن‌ها را سنجید.

تحدید مساله: مساله اصلی در پژوهش تاریخی این است که محدود به یک برهه زمانی- مکانی باشد و مسائل کلی و مبهم تبدیل به یک مسئله دقیق و سوال مشخص شده و به آن پاسخ داده شود. این امر به پژوهشگر امکان می‌دهد که به صورت عمیق‌تر به موضوع بپردازد؛ ابعاد و جنبه‌های گوناگون موضوع را بهتر بکاود؛ از زوایای مختلف به موضوع بنگرد و در مجموع شناخت دقیق‌تر، علمی‌تر و عمیق‌تری نسبت به موضوع پیدا کند و در عین حال آسان‌تر و سریع‌تر به نتیجه برسد. (ملائتی توانی، ۱۳۸۶: ۶۳) این شاخص در ۱۰۰ درصد مقالات رعایت شده است به گونه‌ای که موضوع مورد مطالعه آن‌ها یا به یک برهه زمانی خاص و یا محدود به دو کشور است که از نقطه قوت آن‌ها محسوب می‌شود.

شیوه گردآوری داده‌ها: یکی از مزیت‌های تاریخ‌پژوهی این است که می‌توان از روش‌های میدانی و اسنادی هم برای گردآوری داده‌ها استفاده کرد و بدین ترتیب از چیرگی روش کتابخانه‌ای در پژوهش‌های روابط بین‌الملل کاست. در حالیکه ۳۲ مقاله یعنی حدود ۸۰ درصد از منابع کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات خود استفاده کرده‌اند و از دیگر روش‌ها و تکنیک‌ها بهره‌برداری نکرده‌اند. علت این مساله را می‌توان از یک طرف در این دانست که پرکاربردترین و سهل‌الوصول‌ترین روش است و طرفداران زیادی در بین دانشجویان دارد و از طرف دیگر روش میدانی و اسنادی بسیار زمان‌بر هستند و از حوصله دانشجویان خارج‌اند. حدود ۱۸ درصد مقالات از روش ترکیبی کتابخانه‌ای- اسنادی بهره برده‌اند مانند مقاله «جایگاه اتحاد جماهیر شوروی در الگوهای سیاست خارجی ایران دوران پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۲ ش.)» و حدود ۲ درصد یعنی فقط مقاله

۱ علت انتخاب فصلنامه تاریخ روابط خارجی این است که تنها فصلنامه تخصصی است که پژوهش‌های بین‌رشته‌ای تاریخ و روابط بین‌الملل را منتشر می‌کند.

«بریتانیا و قطع روابط دیپلماتیک ایران و ژاپن در جنگ جهانی دوم» از روش اسنادی استفاده کرده است که این امر نشان از نوعی ضعف در کاربرد آن است. منابع گردآوری داده‌ها: از آنجایی که هدف پژوهش تاریخی کشف حقایق است لذا بهتر است که از منابع دست اول استفاده شود تا نتایج دقیق‌تری استخراج شود اگرچه دسترسی به منابع دست اول مشکل‌تر است اما دقت آن بیشتر است و بایستی پژوهشگر در تلاش برای دسترسی به این منابع به منظور شفافیت تاریخی باشد. با این وجود در بیشتر پژوهش‌های تاریخی از منابع ثانویه یا دست دوم استفاده می‌شود و فقط ۲۰ درصد مقالات از منابع دست اول استفاده کرده‌اند. بررسی مقالات نشان می‌دهد که نویسندگان به طور عمده منابع دست دوم را برگزیده و از آن‌ها در پژوهش‌های خود استفاده کرده‌اند.

اصل بی‌طرفی: نگاه هر پژوهشگر به گذشته خواسته یا ناخواسته بر انبوهی از پیش فرض‌ها، ارزش‌ها، داوری‌ها، نظریه‌ها، باورها، دانسته‌ها و ملاحظات متعدد سیاسی، مذهبی، ملی، فرهنگی و ... مبتنی است. سوگیری نویسنده در رخداد تاریخی بر مبنای باورهای ارزشی و ذهنی، واقعیت را نشان نمی‌دهد و سیستم آسیب‌شناسی را دچار اختلال کرده و نمی‌تواند راه حل‌ها و توصیه‌های کاربردی برای زمان حال داشته باشد. این ضعف (۱۰ درصد) به وضوح در تمامی مقالات نگارش یافته مشاهده می‌شود و بجای اینکه پژوهش مبتنی بر کشف واقعیات تاریخی باشد با مفروضات و پیش داوری‌های نویسنده منطبق است و به فراخور و بر اساس مقتضیات ذهنی نویسنده پیش برده شده است. با این حال مقاله «روابط بازرگانی ایران و ژاپن از آغاز تا پهلوی اول» موفق شده است که با استفاده از اسناد دست اول روایت واقعی‌تری از رخداد گذشته داشته باشد و اصل بی‌طرفی را رعایت کند.

مدل‌سازی و تئوری‌سازی: یافته‌های پژوهش حاکی از ضعف عمده در این شاخص است. ارزیابی مقالات نشان می‌دهد که این معیار در تاریخ‌پژوهی به وضوح نادیده گرفته شده است و در حقیقت از آفت‌های اصلی تاریخ‌پژوهی در ایران محسوب می‌شود. در حالیکه مطالعه تاریخی از یک طرف با کشف پیوندهای علی می‌تواند به عنوان زمینه‌ای برای ایجاد و اصلاح فرضیه‌ها و نظریه‌ها عمل کند و از طرف دیگر شواهد تاریخی می-

تواند برای آزمایش فرضیه‌ها و نظریه‌ها بسیار مهم باشد. اما این شاخص در کل مقالات بررسی شده مغفول مانده است.

چارچوب نظری: در رشته روابط بین‌الملل از یک سو ما با کثرت رویکردهای نظری مواجه هستیم و از سوی دیگر تاکید زیادی بر استفاده از تئوری در هدایت پژوهش می‌شود چرا که تئوری برای قالب‌بندی بحث، آزمون فرضیه و عملیاتی کردن آن ضرورت دارد. نظریه در واقع قالبی است که به عنوان مدل در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد تا تحقیق خود را در همان قالب بریزد و از آن به عنوان راهنما یا مدل پیروی کند. کارکرد اصلی چارچوب نظری، راهنمای محقق در همه مراحل پژوهش به ویژه در فرآیند پیش‌بینی و تبیین پدیده‌های مورد مطالعه است (ملائتی توانی، ۱۳۸۶: ۷۳). بررسی مقالات نشان می‌دهد که فقط ۸ مقاله از ۴۰ مقاله یعنی ۲۰ درصد دارای چارچوب نظری همچون سازه‌انگاری و مدل پیوستگی روزنا و ... هستند و سایر مقالات فارغ از رویکرد نظری خاص، به بررسی موضوع مورد مطالعه خود پرداخته‌اند.

هم‌افزایی بین رشته‌ای: دیدگاه رایج در بین مورخان این است که معتقدند پژوهشگران روابط بین‌الملل اطلاعات کمی درباره آن‌ها دارند و بالعکس که چنین نگرش و دیدگاهی از جانب دو طرف نمی‌تواند مولد باشد. تاریخ و روابط بین‌الملل به عنوان دو رشته زمانی می‌توانند هم‌افزا شوند که پل‌هایی به صورت سیستماتیک بین خود ایجاد کنند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از یک طرف اغلب نویسندگان مقالات از رشته تاریخ می‌باشند نه روابط بین‌الملل و از طرف دیگر فقط ۳ مقاله این شاخص را به خود اختصاص داده‌اند. به عنوان مثال مقاله «روابط ایران و بریتانیا، چالش‌های گذشته و حال» توانسته است با مطرح کردن مشکلات دو کشور در گذشته و آسیب‌شناسی آن، توصیه‌هایی برای چالش‌های پیش روی دو کشور در زمان حال داشته باشد و آشکار سازد که گذشته کلید آینده است.

ردیابی فرآیندها: روش تاریخی الگویی برای چرایی و تداوم رخدادها در زمان حال است به عبارت دیگر در جستجوی نشان دادن وابستگی علی بین رویدادهای پیشین و فرآیندهای معاصر است. بررسی‌ها حاکی از آن است که حدود ۵ درصد مقالات به این شاخص توجه داشته‌اند به عنوان مثال مقاله «ایران و روسیه در گذر تاریخ: محیط امنیتی

و مسأله تهدید و اتحاد» کوشیده است تا با نگاهی به تاریخ تحولات روابط ایران و روسیه، امکان‌هایی برای درک بهتر وضعیت کنونی این روابط و چشم‌انداز آینده آن فراهم آورد.

مراحل یا گام‌های روش تاریخی: بررسی مقالات نشان می‌دهد که گام‌های شش‌گانه تاریخ‌پژوهی در مقالات نویسندگان به دقت رعایت نشده است. حدود ۵۰ درصد از مقالات به توصیف رویداد تاریخی پرداخته و مرحله تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه را مد نظر قرار نداده‌اند. به عنوان مثال مقاله «وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پهلوی دوم به انگلیس» مرحله توصیف را مد نظر قرار داده است. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که تفاوت مورخ و پژوهشگر تاریخی در این است که مورخ حوادث را آنچنان که اتفاق افتاده بدون دخل و تصرف توصیف می‌نماید ولی پژوهشگر تاریخی دورانی را در نظر می‌گیرد، حوادث آن را به عنوان معلول مطرح می‌سازد و سپس در همان دوران عوامل را باز می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

به این ترتیب پژوهشگر تاریخی چیزی بیش از ترتیب زمان وقایع گذشته را بررسی می‌کند و آن تفسیر و ارتباط وقایع با یکدیگر است. پژوهشگر ابتدا به توصیف علمی یک رخداد می‌پردازد و سرانجام به بیان علت‌ها، تفسیر و تبیین آن‌ها همت می‌گمارد. یعنی هم به چراها و هم به چگونگی‌ها در کنار یکدیگر پاسخ می‌گوید و بدین ترتیب شناخت کامل‌تری از یک تحول تاریخی به دست می‌دهد. بنابراین مرحله تجزیه و تحلیل در پژوهش‌های تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار است.

نمودار درصد توجه به شاخص های تاریخ پژوهی



۳۵



کاربست روش
تاریخی در
پژوهش های روابط
بین الملل

نتیجه گیری

هر پژوهش از یک طرف با توجه به هدف خاص خود باید یک روش تحقیق داشته باشد که بر اساس آن بتواند به جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده های خود بپردازد از طرف دیگر پژوهش باکیفیت، مستلزم انتخاب روش پژوهش مناسب با موضوع مورد مطالعه است. بنابراین شناخت روش های پژوهش و به کارگیری آن ها از اهمیت زیادی برخوردار است. روش های تحقیق به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می شوند که یکی از روش های تحقیق کیفی، روش تاریخی است. پژوهشگر زمانی از روش پژوهش تاریخی استفاده می کند که با مسئله ای برخورد کند که در گذشته روی داده و در گذشته خاتمه یافته باشد. آشنایی و آگاهی از روش تاریخی برای دانشجویان رشته روابط بین الملل به عنوان یکی از روش های پژوهش الزامی است.

اهمیت پژوهش تاریخی در حوزه روابط بین الملل غیرقابل انکار است. پژوهش تاریخی می تواند در مورد برخی مسائل موجود بین دو کشور بینش های جدیدی فراهم کند، درک ما از نظام بین الملل جاری را افزایش دهد، نشان دهد که چگونه و چرا روابط بین دو کشور توسعه یافته است، متخصصان روابط بین الملل را قادر می سازد تا با استفاده از

تجارب گذشته، روابط بین‌کشورشان را تنظیم کنند. بنابراین شناخت این روش و کاربرد آن در رشته روابط بین‌الملل از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف مقاله یاری رساندن به دانشجویان روابط بین‌الملل جهت چگونگی استفاده از روش تاریخی برای پژوهش‌های خود اعم از پایان‌نامه، رساله، مقاله، کتاب و بود. زیرا غفلت از انجام این‌گونه مطالعات، آسیب‌هایی را در عرصه نظر و عمل در رشته روابط بین‌الملل به دنبال دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدم رعایت کامل ضوابط و گام‌های مختلف تاریخ-پژوهی، نشان‌دهنده ضعف عمده کم‌توجهی به این روش پژوهش بین‌پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل است. دلایل کم‌توجهی و کاربرد اندک روش تاریخی را می‌توان زمان‌بر بودن، هزینه‌بر بودن، عدم دسترسی کامل به منابع اطلاعاتی یا دشواری دسترسی به منابع دست اول، دشواری بررسی اعتبار اطلاعات، عدم علاقه پژوهشگران روابط بین‌الملل به تاریخ و عدم آگاهی و شناخت پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل نسبت به روش تاریخی دانست.

منابع

- بست، جان، (۱۳۶۷)، روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی، تهران: انتشارات رشد
- دلاور، علی، (۱۳۸۰)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: نشر رشد
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه، (۱۳۹۹)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگه
- طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران: قومس
- ملائتی توانی، علیرضا، (۱۳۸۶)، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران: نی
- Bell, Duncan, (2003), "Political Theory and the Functions of Intellectual History", **Review of International Studies**, Vol 29, No 1, PP 151–60
- Brands and Suri, (2015), "Introduction: Thinking about History and Foreign Policy", **Power of the Past**, PP 1-27
- Elman, C, and M. F, Elman (2001), "Introduction: Negotiating International History and Politics." In **Bridges and Boundaries: Historians, Political Scientists, and the Study of International Relations**, edited by C. Elman and M. F. Elman, Cambridge, MA: MIT Press, PP 1–36
- Evans, Richard, (2001). **in Defence of History**. United Kingdom: Granta.

- Hobson, John and Lawson, George, (2008), "What is History in International Relations?", **Millennium: Journal of International Studies**, Vol 37, No 2, PP 415-435
- Inboden, William, (2014), "Statecraft, Decision-Making, and the Varieties of Historical Experience: A Taxonomy", *Journal of Strategic Studies*, No 37, PP 291-318
- Jervis, Robert, (1976), *Perception and Misperception in International Politics*, Princeton: Princeton University Press
- Khong, Yuen Foong, (1992), *Analogies at War: Korea, Munich, Dien Bien Phu, and the Vietnam Decisions of 1965*, Princeton: Princeton University Press
- Kiser, Edgar and Hechter, Michael (1998), "Debate on Historical Sociology: Rational Choice Theory and Its Critics", **American Journal of Sociology**, Vol 104, No 3, PP 785-816
- Kornprobst, Markus (2007), "Comparing Apples and Oranges? Leading and Misleading Uses of Historical Analogies", **Millennium**, Vol 36, No 2, PP 29-49
- Larson, Deborah. (2001), "Sources and Methods in Cold War History: The Need for a New Theory-Based Archival Approach." In **Bridges and Boundaries: Historians, Political Scientists, and the Study of International Relations**, edited by C. Elman and M. F. Elman, Cambridge, MA: MIT Press, PP 327-350
- Lawrence, Mark, (2015), "Policymaking and the Uses of the Vietnam War", *Power of the Past*, PP 49-73
- Lawson, George, (2007), "Historical sociology in international relations: Open society, research programme and vocation". **International Politics**, Vol 44, No 4, PP 343-368
- Lawson, George, (2010), "the eternal divide? History and International Relations", **European Journal of International Relations**, Vol 18, No 2, PP 203-226
- Mead, Walter Russell, (2001), *Special Providence: American Foreign Policy and How it Changed the World*, New York: Random House
- Nye, Joseph, (1990), **Bound to Lead: The Changing Nature of American Power**, New York: Basic Books
- Pickard, Alison, (2018), **Historical research**, Published online by Cambridge University Press
- Rael, Patrick, (2004), "Reading, Writing and Researching for History: a guide for college students", at https://faculty.etsu.edu/fritzs/picts/Rael_Reading,%20Writing,%20Researching%20History.pdf

- Thies, Cameron, (2002), “a Pragmatic Guide to Qualitative Historical Analysis in the Study of International Relations”, **International Studies Perspectives**, No 3, PP 351–372
- Tertrais, Bruno, (Winter 2016), “The Revenge of History”, *The Washington Quarterly*, **No 38**, PP 7-18
- Vaughan, Williams, (2005), “International Relations and the Problem of History”
- Millennium: Journal of International Studies**, Vol 34, No 1, PP 115-136
- Vennesson, Pascal, 2010, “Process Tracing and Historical Inquiry”, APSA, at https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1642957

